

## در دفاع از حرمت قنات

تقدیم به دکتر باستانی پاریزی

چند کلمه‌ای که در آغاز این نوشته بر روی کاغذ می‌آید نه درباره قنات است و نه درباره شخص آقای دکتر باستانی پاریزی ولی خواندن این سطور انگیزه نگارش این نوشته و تقدیم آنرا به استاد باستانی پاریزی روشن میکند .

متخصصان ادبیات وقتی درباره اشعار و نوشته‌های شعراء یا نویسندگان بزرگ بحث میکنند مرمترین دلیلی که برای توجیه موفقیت آنان می‌آورند اینست که مردان بزرگ شعروادب کلمات را بصورتی سحرآمیز کنار هم می‌چینند و سر نهانی هنر آنان در همین کیفیت آراستن و چیدن کلمات کنار یکدیگر است. من نه شعرشناسم و نه صاحب تجربه در ادبیات. هیچگونه ادعایی هم در جهت اثبات یا نفی نظرات متخصصان شعروادبیات ندارم اما عقیده‌ای در این باره برای خود ساخته‌ام که راه و دلیلی نیز برای اثبات آن ندارم. آن عقیده اینست: کلمات علاوه بر مفاهیم قراردادی که برای خود دارند متناسب با ذهن و قلمی که از آن بیرون می‌تراوند بنوعی لماب‌آغشته میشوند و این اکثراً فرق و اثر لماب‌ها است که ما در نوشته‌ها و اشعار احساس میکنیم و متخصصان ادبیات توجیهی که برای بیان این قضاوتها یافته‌اند نحوه چیدن و آراستن کلمات در کنار همدیگر است .

پس از قبول این عقیده دیگر به جستجوی هنر مولانا در آویختن کلمات به همدیگر نمی‌روم و زمانی که مناجات خواجه نصاری را دل‌آویز می‌یابم دنبال آن نیستم که وی کلمات را چگونه بهم پیوند میداده است. این نکته را می‌پذیرم که گفته‌ها و سروده‌های آنان به لمایی خاص آغشته است و این لماب از اعتقادی راستین و ایمانی منزّه و احساسی پاک نشأت گرفته است .

مساله لماب در کلمات تنها خاص بزرگان و نویسندگان گذشته نیست. تصور میکنم همه ما کم‌وبیش در زندگی روزمره خود با این تجربه سروکار داریم بسیار اتفاق می‌افتد که نوشته یا گفتاری

را با زیباترین جملات و منجسم‌ترین عبارات گوش می‌کنیم اما چون گوینده یا نویسنده بخاطر مزد و بدون ایمان و علاقه اثر خود را پرداخته با نهایت بیطرفی و یا حتی احساس اکراه و نفرت مسأله را بیان می‌بریم. اما گفتاری از روی صدق و صمیمیت بی آنکه با کلمات و جملات آداسته و پیراسته بیان شود چون از دل برمیخیزد لاجرم بردل ما می‌نشیند. باین مقدمه می‌توانم بر سر مطلب رسم. نوشته‌های استاد باستانی پاریزی دو احساس متمایز و برجسته همراه خود دارد: نشانه‌هایی از دل روشن و ضمیری پرفرح و پرشعف که در دل خواننده احساس انبساط برمی‌انگیزد و علاقه و ایمان راستین به آب و خاک ایران.

من بسیاری از نوشته‌های استاد باستانی پاریزی را که اغلب نیز اشاره مستقیم به لزوم سیانت و پاسداری ایران ندارند، خوانده‌ام و در پایان نوشته‌ها پیام نهان نویسنده را که از لابلای لعاب کلمات انتقال می‌یابد بخوبی احساس کرده‌ام. مجموعه‌ای دلنشین از نوشته‌های استاد دربارهٔ قنات‌ها است. که دلایل تاریخی برای حفاظت چشمه‌ها می‌آورد و از دیدگاه یک مورخ معتقد لزوم حمایت و حراست آنها را گوشزد مینماید. خواندن این نوشته‌ها مرا ب فکر انداخت که در حد بضاعت قلیل خود به ندای این مرد پاسخ دهم و دلایل دیگری را که از نظر گاه رشته تخصصی خود در تأیید اعتقادات دکتر باستانی پاریزی یافته‌ام بر روی کاغذ آورم. حاصل این فکر نوشته‌ایست که پیاس قدرشناسی از اعتقادات پاک استاد باستانی پاریزی و تحسین و ستایش از زحمات وی در راه شناختن و شناساندن ایران به حضور ایشان تقدیم می‌گردد.

### قنات و دلایل رواج آن در ایران

وقتی نزولات جوی بر روی زمین می‌بارند قسمتی از آب بارش یافته تبخیر شده و به جو زمین برمیگردد قسمتی از آنها در سطح زمین جریان می‌یابند و بالاخره بخشی از آن نیز در زمین فرو میرود. آبهای فرورفته در زمین در تحت شرایط مساعد سفره‌های زیرزمینی آب را ایجاد میکنند. ساکنین نواحی خشک کرهٔ زمین از دیرباز سعی کرده‌اند که آبهای زیرزمینی را دوباره به سطح زمین بازآورند و از آنها برای استفاده انسان و حیوان و آبیاری زمینهای زراعی استفاده کنند. قسمت بسیار مهمی از فلات ایران اسبران خشک و نیمه خشک دارد و نیز آن نزولات جوی در این مناطق پاسخگوی نیازهای کشاورزی نیست بهمین دلیل جستجو و کوشش برای بازیابی آبهای زیرزمینی سابقه طولانی در تاریخ کشاورزی و تمدن ایران دارد. مهمترین و پرثمرترین چاره‌ای که برای استفاده از آبهای زیرزمینی اندیشیده شده حفر قنات

است. بعنوان يك اصل کلی قنات را در منطقه‌ای میتوان حفر کرد که علاوه بر مساعد بودن ساختمان زمین‌شناسی محل، سطح زمین در يك جهت معین دارای شیب ملایم باشد در زیر زمین کانالهایی حفر میکنند که شیب آنها معمولاً يك در هزار بوده (يك متر اختلاف ارتفاع در يك کیومتر فاصله) و عموماً موازی با جهت شیب در سطح زمین میباشد. تونلها در اعماق متناسب با سطح آب سفره‌ها حفر شده و آبهای ذخیره شده در اعماق زمین را مجدداً به سطح زمین هدایت می‌کنند. کندن تونلها کاری است بسیار شوار، و هدایت صحیح جهت و تراز و شیب آنها در عمق زمین مستلزم داشتن مهارت‌های فنی و پیچیده است.

طبیعی است که کندن تونل‌های باریک قنات در زیر زمین و هدایت شیب و جهت آنها به مراتب دشوارتر از حفر تونل‌های بزرگ راه سازی است و ایرانیان در این زمینه صاحب فن و مهارت‌های ارزشمند بوده‌اند. قنات ایران از دیر باز محل زندگی جمعیتی بوده که بطور مداوم برای استفاده از آخرین امکانات محیط جهت گسترش کشاورزی و تأمین غذا کوشیده‌اند بهمین دلیل در هر نقطه‌ای که حفر قنات امکان پذیر بوده بدین کار پرمشقت پرداخته‌اند. نتیجه نهایی آن بوده که تعداد قنات و ظرفیت آبدی آنها به سطحی متعادل بامیزان آبهای فرورفته در زمین میرسیده و حتی مقررات و قوانینی در جهت محدود کردن تعداد قنات و ایجاد حریم برای آنها وضع شده است.

نمره هزاران سال کوشش و تجربه در هر بهره برداری از آبهای زیرزمینی به ایجاد سیستمی بسیار پایدار و متعادل با مقتضیات طبیعی قنات ایران منتهی شده و بر مبنای ظرفیت قنات‌ها در هر منطقه وسعت شهرها و روستاها تعیین گردیده است. در بیست سی سال اخیر به ناگاه سروکله موتورها پیدا شده که بجای حفر دهها کیلومتر تونل زیرزمینی و تحمل زحمت و هزینه فراوان اجازه میدهد با حفر تنها يك چاه، آبهای زیرزمینی را به سطح زمین بازگردانند. سهولت و ارزانی نصب موتور پمپ‌ها و مخصوصاً بازده بسیار زیاد آنها در سالهای نخستین بهره برداری بدانها امکان میدهد که سر راه قنات سر علم کنند و بمبارزه با آن برخیزند و بالطبع قنات رامنهدم سازند.

قبل از بحث درباره تضاد قنات و چاه ذکر يك نکته را لازم میدانم: کسانی که معتقد به جایگزین کردن قنات بوسیله چاههای عمیق میباشد بیشتر بر این استدلال تکیه میکنند که آب قنات در تمام فصول سال و بدون کنترل انسان جاری میشود و بالتبلیجه مقدار زیادی از آبهای زیرزمینی در فصل سرد سال نیز از سفره‌ها خارج شده و عدد میروند. استناد بر این نکته ناشی از عدم آشنائی به فرهنگ و سنتهای بسیار اصیل و عمیق کشاورزی در ایران است. اولاً - در مناطق گرمسیر ایران زراعت فصل ر کودندار و آب قنات در تمام سال مورد استفاده است.

ثانیاً - در مناطق سردسیر زارعین ایرانی باتکیه بر قنات‌ها تجربه بر نامه زراعی و تناوب کشتها را طوری انتخاب میکنند که از تمام ظرفیت قنات و در تمام طول سال استفاده میشود. طبیعی است که نباتات کاشته شده در فصل گرم سال بیشتر از هر وقت دیگر به آب نیاز دارند زارعین ایران با دقت تحسین انگیز تاریخ برداشت محصولات مختلف کشاورزی را در تنظیم

برنامه‌های کشت خود مورد توجه قرار میدهند و هر وقت که شرایط محیط اجازه دهد مساحت زمینهای زیر کشت را بالاتر از ظرفیت منبع آب شیرین که اغلب قنات است انتخاب مینمایند. در فصلی که زراعتها آب کم لازم دارند، همه گیاهان کاشته شده را که جوان و حساس اند با آب شیرین آبیاری میکنند ولی در فصل حاد و قحطی آب برخی از زراعتها را که به آب شور مقاوم اند برای یک چند مدت با آبهای شور آبیاری میکنند. بعنوان مثال در بسیاری از روستاها و شهرهای آذربایجان آخرین نوبت آبیاری گندم که نقش اساسی در رشد و تکامل دانه‌ها دارد بملت ضیق آب با آبهای شور انجام میشود با فرارسیدن فصل پائیز و کاهش نیاز به آب چشمه‌ها این زمینها را با آب شیرین میشویند و آماده زراعت سال بعد میکنند. در مناطقی نیز که این نیاز محدود و یا کلاً مرتفع است آب چشمه‌ها را به دیمزارها هدایت می‌کنند تا برای دیم کاری سال بعد آماده شوند. بطور خلاصه صفت بسیار متمایز کشاورزی ایران توجه کامل به اقتصاد آب است و صرفه جویی در مصرف آب و استفاده از حداکثر ظرفیت منابع آب شیرین در تمام طول عمیقاً مدنظر قرار دارد متهم کردن این سنت کشاورزی بر اتلاف آب نهایت بی‌انصافی است.

### تضاد چاه و قنات

تضاد چاه و قنات از یک اصل ساده سرچشمه میگردد و آن اصل اینست که قنات و چاه از یک منبع آب اخذ میکنند و بهمین دلیل باهم مبارزه دارند و در این مبارزه نیز همیشه پیروزی از آن چاه است. در منطقه‌ای که قبلاً قنات دایر بوده وقتی چاه حفر میکنند الزاماً سطح آب گیری چاه را پائین تر از سطح آب گیری چشمه قرار میدهند زیرا تمام آبهایی که بالاتر از سطح آب گیری قنات قرار داشته قبلاً بوسیله قنات به بیرون هدایت شده است. اثر چاه بر روی قنات در مرحله اول بهره برداری محسوس نیست مخصوصاً وقتی فاصله آنها از هم نسبتاً زیاد باشد هفته‌ها و حتی ماهها طول می‌کشد تا کاهش سطح آب و آبدهی چشمه‌ها احساس گردد ولی بتدریج چشمه‌ها شروع به خشکیدن میکنند. آنچه که مردم را فریب میدهد و با وجود قنات آنان را به حفر چاه راغب میکند اینست که مردم تصور میکنند با کندن چاه در کنار قنات به منابع تحتانی آب که دور از دسترس چشمه و مآلاً بلااستفاده باقی میمانند دسترسی یافته‌اند و این منابع جدید را نیز پایان ناپذیر میدانند غافل از آنکه سفره‌های آب صرف نظر از عمق آنها هرگز اذل زمین تغذیه نمیشود آبی که در آنها جمع و ذخیره میشود از نفوذ نزولات جوی در خاک سرچشمه میگردد.

چند سال پس از بهره برداری از چاه وقتی که چشمه‌ها نیز کاملاً خشکیدند آبدهی چاه‌ها نیز پائین می‌آید و درغایت امر وضعی متعادل با میزان آبهای نفوذی حاصل از نزولات جوی پیدا میکند در این حالت، درست همان آبی را که وسیله چشمه‌ها و بدون نیاز به موتور پمپ و سوخت بیرون می‌کشیدیم با صعوبت بیشتر و با هزینه زیاد تر وسیله پمپ‌ها استخراج میکنیم. مواردی که ذیلاً بعنوان مثال ذکر میشود همه نشان میدهد که حفر چاه‌ها چه سرنوشتی برای قنات تدارک دیده است:

شهر تبریز شیب ملایمی از طرف شرق بطرف غرب دارد در گذشته قناتهای متعدد در جهت این شیب حفر شده و آبهای زیرزمینی ناحیه را در قسمت غربی شهر به سطح زمین هدایت میکردند در بیست سال گذشته در منتهالیه غربی شهر حفر چاه و استقرار موتور پمپ معمول میشود بتدریج آب قنات شهر پائین آمده و بسیاری از آنها بکلی کور شدهاند از میان قنات معروف و پر آب تبریز که اینک جز اسم و بستر خشک چیزی از آنها باقی نیست میتوان میرقاسم ایلانو، منتش، تازه چشمه، حکم آباد کوچه باغ را نام برد.

عبدالرحیم کیا (۱) تعارض چاه و قنات را در روستاهای اطراف مرنند بررسی کرده و آثار جالبی از اثرات چاه بر روی قنات ذکر میکند :

در حومه و انلوجق یازده رشته قنات بعد از حفر یک چاه عمیق و استقرار موتور پمپ بسیار بزرگ بر روی آن خشکیدهاند.

در ده کشکسرای مرنند نه رشته قنات که اول ۱۳۴۵ جمماً حدود ۱۵۰ لیتر در ثانیه قدرت آبدهی داشتند تنها در طی سه سال یعنی تا سال ۱۳۴۸ بعلت حفر چاههای عمیق از بین رفتهاند. در قریه جاممه بزرگ پنج رشته قنات بعد از حفر چاههای عمیق بکلی کور شدهاند.

تنها ضرر انهدام قناتها این نیست که ما را نیازمند تکنولوژی کشورهای بیگانه میکند بلکه در سطح داخل کشور نیز از خود کفائی طبقه کشاورز میکاهد. و آنان را در معرض استثمار قرار می دهد. زیرا زارعین عموماً مهارت فنی لازم برای بهره برداری از موتور پمپها را ندارند و طبیباً باید تکنیسینی برای این کار اجیر کنند و یا ضررهای ناشی از تکیه بر مهارت ناقص خود را بپذیرند. با تمام چاره اندیشیها اغلب در فصل نیاز شدید به آب موتورهای ناقص فنی پیدا میکنند. پیدا کردن تعمیر کار و مخصوصاً وسایل یدکی مسأله ای نیست که همیشه با سرعت و سهولت حل شود. گروهی در قشرهای جاممه عادت کرده اند که از نیازهای مردم غیر-منصفانه بهره برداری کنند. نمایندگان فروش وسایل یدکی و جمعی کثیری از تعمیر کاران در زمره این گروهند.

جایگزین کردن قنات بوسیله چاهها تنها به ضررهائی که فوقاً شمرده شد محدود نمی گردد بلکه زیانها و خطرات بسیار بزرگتر دیگر نیز به دنبال دارد که ذیلاً اشاره می کنیم :

قسمتهای بسیار مهمی از فلات ایران در ادوار مختلف زمین شناسی بستر دریا بوده اند. این دریاها بدلیل تغییرت شکل زمین و حرکت های جدید کوه زائی از افیانسها بریده شده اند و بتدریج آب آنها تبخیر گشته و نمک حاصل از آب دریا در قشرهای زمین باقی مانده است نزولات جوی در طی دورانهائی بسیار طولانی این املاح را شسته و قسمتی از آنها بهمراه

۱- کیا - عبدالرحیم

تضاد سیستمها - تأثیر چاههای عمیق در آبدهی قنات و چشمه سارها .

آبهای نفوذی به اعماق زمین برده اند بالنتیجه در بسیاری از مناطقی که سفره های آب زیر زمینی وجود دارند لایه های پائینی سفره های آب محتوی املاح میباشند در روی لایه های آب شور بهرور لایه های نسبتاً نازک آب شیرین پیدا شده اند. بدلایلی که هنوز بدقت شناخته نشده اند در اعماق زمین سفره های آب بصورت مطبق روی هم قرار می گیرند و بین آنها پدیده انتشار املاح رخ نمی دهد.

اگر درته استکانی مقداری شکر ریخته و سپس آب اضافه کرده و برهم زنیج محلول شکر درته استکان درست می شود اگر روی این محلول بادقت و آرامش تمام قطرات آب خالص اضافه کنیم لایه ای از آب خالص بالای محلول شکر که درته استکان قرار گرفته خواهیم داشت اگر این ظرف را بحال خود بگذاریم مدتی بعد محلول شکر در تمام ظرف انتشار مییابد و محلول یکنواختی در تمام ظرف بوجود می آید. (از همین روست سابقاً برای تهیه چائی دورنگه استفاده می شد. مقداری شکر را در چائی حل می کردند و سپس روی محلول چائی و شکر آب خالص با آرامی میریختند و چائی دورنگه باین ترتیب بوجود می آید که مدتی میتوانست اختلاف رنگه چائی و آب خالص را حفظ کند).

این پدیده را اصطلاحاً پدیده انتشار گویند و چنانکه اشاره شد بین لایه های مختلف آب در زیر زمین عموماً رخ نمی دهد. در مناطقی که سفره های آب شیرین در بالای سفره های آب شور قرار گرفته اند سیستم قنات اجازه میدهد که آب شیرین سفره فوقانی با آرامی در بستر قنات جاری گردیده و خارج شود و هر سال باندازه آبهای نفوذی حاصل از نزولات از سطح سفره آب شیرین برداشته گردد. اما اگر روی چنین سفره آب شیرین چاهی حفر کنیم و از یک نقطه معین سفره مقدار زیادی آب استخراج نماییم فرورفتگی بسیار محسوسی در همان محل سفره ایجاد می شود و درست در زیر همان محل فرورفتگی، سطح آب شور بصورت دملی به طرف آب شیرین بالاتر می آید. تحقیقات Herzberg و Ghyblen و Hubbert مندرج در اثر G. Castany (۲) نشان میدهند که وقتی سطح آب شیرین در محل چاه باندازه یک متر پائین رود دمل و برآمدگی آب شور در همان محل باندازه حداقل نه متر خواهد بود بدین ترتیب در اثر استفاده شدید از یک نقطه سفره آب شیرین، سفره در همان محل بملت هجوم آب شور سوراخ میشود و تمامی حجم آب شیرین را آلوده و غیر قابل استفاده مینماید. وقتی این حادثه پیش آید باید هزاران و حتی میلیونها سال صبر کرد تا مجدداً سفره آب شیرین در بالای سفره آلوده شده ایجاد گردد.

این خطر بسیاری از جاههای عمیق را در ایران و مخصوصاً آنهایی را که پمپهای بسیار قوی کار گذاشته اند تهدید میکنند. بعلاوه تجربه نشان می دهد که حداقل در آذربایجان مقدار املاح در آب چاهها همیشه بالاتر از املاح قنات مجاور آنها است و زارعین نیز این مسأله را بخوبی دریافته اند و می دانند که وقتی زراعتها را با آب چشمه آب می دهند فاصله بین دفعات آبیاری زیادتر از زمانی است که زراعتها با آب چاه آبیاری شده باشند بعلاوه املاحی که آب چاه به مزارع هدایت می کند بتدریج از قدرت باروری خاک می کاهد.

2 - CASTANY, G. 1967.

Traité Pratique des eaux Souterracnis.

Edition Dunod. Paris 6617.

دومین خطر شدید چاهها در مناطق ساحلی است. در کنار دریا علاوه بر سفره آب شیرین که از بارندگیها سرچشمه میگیرد، سفره‌ای نیز در زیر زمین از نفوذ آب دریا بوجود میآید که قطعاً آب شور دارد. در چنین مناطقی وقتی روی سفره آب شیرین چاهی زده و با استقرار پمپ آب شیرین بمقدار زیاد استخراج شود خطر سوراخ شدن سفره آب شیرین بمراتب زیادتیر است. Pimienta. J. (۳) از بررسیهایی که در این زمینه بعمل آورده نتیجه میگیرد که پائین رفتن يك متر در سطح سفره آب شیرین سطح آب شور را با اندازه ۳۷ متر بالاتر میآورد. همین پدیده می‌تواند شور شدن آب برخی از چاهها را در منطقه شمالی ایران توجیه کند. از آنچه که در سطور گذشته عنوان شد، نباید نتیجه گرفت که چاه وسیله صرفاً خطرناکی است بلکه برعکس غرض و هدف اصلی بیان این نکته است که وقتی وسیله مطمئن و کم‌هزینه و بی‌خطر قنات وجود دارد دیگر نیازی به چاه نیست. حفر چاه در مسیر قنات الزاماً به انهدام چشمه منجر می‌شود بی‌آنکه آب زیادتیر یا نفع بیشتر بیاد آورد بعلوه بدلالی که ذکر شد می‌تواند به ویرانی سفره آب نیز منجر شود.

آنچه که در آغاز بحث درباره قنات گفته شد مجدداً تکرار می‌کنیم قنات را در محلی می‌توان حفر کرد که شرایط زمین شناسی و شکل زمین اجازه ایجاد قنات را بدهد. طبیعی است که در مناطق مسطح نمی‌توان قنات ایجاد کرد. در چنین مناطقی حتماً باید با حفر چاه از آبهای زیرزمینی استفاده نمود. قنات را باید بعنوان ودیعه پر ارزش نسلهای گذشته که ما را از تکنولوژی شرق و غرب بی‌نیاز می‌کند پذیرفت و روشهای استفاده از آب قنات را به کمک راه‌آورد های تکنیک جدید اصلاح کرد. هنوز در ایران آبی که از دهنه قنات خارج می‌گردد تا پای مزارع روی سطح خاک هدایت می‌شود پیمودن این مسیر طولانی در نهرهای خاکی مقدار زیادی از آب قنات را هدر می‌دهد. بزراعتین باید کمک کرد که برای انتقال آب از روشهای جدید استفاده کنند کار برد لوله‌های پلاستیکی بجای نهرهای خاکی و انتقال مستقیم آب پپای گیاهان اجازه می‌دهد که سطح زیر کشت را ۷ الی ۱۰٪ برابر بالاتر بریم. در مملکتی که آب عامل تعیین کننده و محدود کننده در امر زراعت و تولیدات کشاورزی است هر گونه کوششی باید متوجه تأمین آب بیشتر و استفاده صحیح تر از آب باشد.

در مناطقی از کشور که استفاده از قنات سابقه طولانی دارد و بالطبع تعداد قنات متناسب با ظرفیت آبدهی سفره‌های زیرزمینی است از حفر چاه باید جلوگیری کرد در مناطقی که محرز شود میزان آبدهی قنات کمتر از ظرفیت سفره‌ها است اجازه حفر چاه باید منحصرأ در مناطقی داده شود که بهره برداری از آب مازاد سفره‌ها به قنات صدمه نزنند.

سنن کشاورزی ایران روشها و مقررات بسیار جا افتاده و مورد پذیرش مردم برای حفاظت، تنقیه و لارویی قنات را در بر دارد این سنتها و رسوم با اعتقادات مردم و با قوانین جامعه ما آمیخته شده آنها را باید دقیقاً باز شناخت و مجدداً با تحولات و تغییرات سیستم زندگی، منطبق کرد تا احیاء قنات و حفاظت آنها میسر و مقصور باشد. اصلاحات ارضی بی‌تردید فوراً

و تغییر لازمی در سطح جامعه بوده ولی نقش مالک را که بدلیل انتفاع شخصی حامی فنوات در روستاها بوده از بین برده است.

هنوز مرحله انتقالی که بعد از اصلاحات ارضی پیش آمده - و پیدایش آن نیز اجتناب ناپذیر بوده است - کسی را که جانشین وظائف مالک شود و منابع آب را در جهت استفاده مشترک و عمومی تجهیز نماید بیار نیآورده برای رفع این خلاء نیز باید با علاقه و بینش چاره اندیشید .

بسیاری از فنوات ایران بوسیله نیاکان ما به نیت خیر و بعنوان باقیات صالحات ایجاد شده و از همان لحظه پیدایش نیز جهت استفاده در راههای خیر و نفع عموم وقف گردیده اند این کردارها و پندارهای نیک را باید مجدداً احیاء کرد حداقل مردمی باید تربیت کرد که اگر خود توان قدم زدن در راه نیاکان خود را ندارند توانائی و همت حفاظت و حراست از ودایع گذشتگان را داشته باشند.

نوشته اقبال یغمائی

از کتاب طرفها

## زن زشتکار

زمانی که شاه شجاع با برادرش شاه محمود رزم می کرد ، اسد پسر طغان شاه که از سوی او فرمانروای کرمان بود سر به نافرمانی برداشت . یکی از روزها دو پهلوان ، یکی خراسانی و دیگری کرمانی با هم کشتی گرفتند . مادر شاه شجاع که در آن وقت در کرمان بود از پهلوان کرمانی ، و پهلوان اسد از پهلوان خراسانی تقویت و جانبداری می کرد . مادر شاه شجاع رنجیده خاطر از کرمان بیرون رفت . اسد قوی دل شد . عده ای از طرفداران مادر شاه شجاع را کشت و مالشان را به غارت برد . شاه شجاع چون از جنگ با برادر آسود کرمان را در محاصره گرفت . کار بر اسد تنگ و جوپای آشتی شد . اما شاه شجاع قولش را باور نمی کرد . مولا جلال که طبیب و محرم اسد بود زن او را فریب داد و گفت : اگر شوهرت اسد را بکشی شاه شجاع ترا به زنی می گیرد . شاه شجاع زیبا و زورمند و نکواندام ، زن اسد دوستدار و دلباخته او بود و دل در گرو مهر وی بسته بود . شاه شجاع در این باره عهدی نوشت و برای زن اسد فرستاد . زن بد اندیش زشتکار به کشتن شوهرش مصمم شد و روزی که اسد در حمام بود به چند تن از محرمانش گفت که زیر دیوار حمام نقبی ببرند و پس از اینکه وی را گرفتند بکشند و جسدش را در چاره بیندازند . نقب زنان به بریدن نقب پرداختند ، و زن اسد برای اینکه صدای کلنگ به گوش شوهرش نرسد چهل کنیز را به هاون کوفتن واداشت .

پس از بریده شدن نقب ، گماشتگان ، اسد را کشتند و زنش سر او را به تحفه نزد شاه شجاع فرستاد!